



25 سپتمبر 2020

داکتر سید عبدالله کاظم

شاه امان الله غازی و برنامه های انکشاف معارف در کشور

(به مناسبت صد و یکمین سالگرد استرداد استقلال کشور)

بخش هژدهم

4 - مطبوعات - نیم رخ دیگر انکشاف معارف:

با انکشاف معارف در این دوره مسلماً انکشاف مطبوعات نیز یکی نیازمندی ها بود و و بین این دو رابطه مستقیم وجود دارد. در یک جامعه فاقد سواد، مطبوعات بازار ندارد و نمیتواند انکشاف کند. سواد آموزی خود موجب تشویق و انکشاف مطبوعات میگردد، به عبارت دیگر انکشاف معارف بنیاد مطبوعات را استحکام می بخشد.

پوهاند محمد کاظم آهنگ در کتاب "سیر ژورنالیزم در افغانستان" فصل شرح در زمینه انکشاف مطبوعات در عصر امانی دارد و ضمن نظر اندازی به محتویات کلی جراید، مجلات و روزنامه های آن دوره چنین می نویسد: «درفرآیند این پیشرفت ها و انکشافات در بخش مطبوعات، طباعت و بطور عموم "صحافت" هم انکشافات چشمگیری به میان آمد. هدف عمده از گسترش مطبوعات آن بوده است که نخست از همه ارتباط بین مردم که حقوق و آزادی های شان در قانون اساسی تسجیل شده بود، به نیکی تأمین گردد؛ دست آوردهای مهم دولت از طریق مطبوعات به اطلاع مردم رسانیده شود و مردم خود بتوانند در امور کشوری با آگاهی سهم بگیرند... مطبوعات انکشاف کرد تا روحیه حفظ آزادی و استقلال ملی را در تار و پود مردمان این سرزمین بدماند و در عین حال روحیه ضد سلطه خارجی به هر شکلی که باشد، در روح و دماغ مردم تزریق گردد.» (آهنگ، پوهاند محمد کاظم: "سیر ژورنالیزم در افغانستان"، چاپ دوم، پشاور، 1379، صفحه 138)

پالیسی عمده نشرات و مطبوعات که در دوره دوم بیشتر از پیش انکشاف کرد، اغلب بر محور استقلال سیاسی، وطن دوستی و ملت خواهی، اتحاد و اصلاحات می چرخید و با انفاذ نظامنامه مطبوعات راه نشرات آزاد نیز بروی همه باز شد و در کابل و اکثر ولایت کشور جراید و روزنامه ها به نشر آغاز کردند که مهمترین آنها عبارت بودند از: آئینه عرفان، ابلاغ، اتحاد خان آباد، اتحاد مشرقی، اتفاق اسلام، اردو، ارشاد النسوان، اسلام، اصلاح، افغان، الغازی، امان افغان، انیس، بیدار، پشتون ژغ، ثروت، جریده مکتب، حقیقت، ستاره افغان، سراج اطفال، طلوع افغان، عسکری، مجموعه صحیه، معرف معارف، نسیم سحر و نوروز. پوهاند آهنگ در باره محتوی، اهداف، کارمندان و تاریخ نشر و محل نشر و نمونه یکی از نوشته های منتشره هریک از نشرات فوق الذکر در حدود جمعاً صد صفحه کتاب خود را وقف بررسی این موضوع کرده و این اثر پربار را از خود به یادگار گذاشته است. (برای شرح مزید دیده شود: آهنگ، محمد کاظم: مأخذ فوق از صفحه 139 تا 239)

تمام نشریه های فوق الذکر در مطابع ذیل در کابل و ولایات کشور به طبع میرسیدند که همه در عصر امانی شروع به فعالیت کرده بودند: مطبعه دولتی در ماشینخانه، مطبعه "امان افغان"، مطبعه شرکت رفیق، مطبعه انیس، مطبعه وزارت معارف، مطبعه دارالتحریر مجلس عالی وزراء، مطبعه کاظمی (این مطبعه به سرمایه شخصی میرهاتم خان وزیر مالیه تأسیس شد و بنام پسرش میرمحمدکاظم که مصروف تحصیل در جرمنی بود، - پدر نویسنده - نام گذاری گردید و در آن جریده ثروت - اولین جریده اقتصادی افغانستان منتشره وزارت مالیه و بعضی اوراق آن وزارت طبع میگردد)، که همه در شهر کابل قرار داشتند. همچنان در ولایات کشور مطبعه طلوع افغان در قندهار، مطبعه اتفاق اسلام در هرات، مطبعه بیدار در مزار شریف، مطبعه اصلاح در خان آباد، مطبعه غازی درخوست، مطبعه ننگرهار در جلال آباد و مطبعه نسیم سحر در جبل السراج. با این ترتیب حلقه انکشاف معارف، با مطبوعات و مطابع پیوند یافت و همه در بالا بردن سطح دانش مردم در حد امکان اثر مهم بخشید و درحقیقت انکشاف مزید این سه رکن بیشتر طی همین دوره دوم اصلاحات روبه تکامل گذاشت.

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په ځیر و لولئ

5 - "دارالامان" - نه یک قصر، بلکه یک مکتب پربار معماری!

وکیلی پولیزائی در کتاب "کابل باستان" تحت عنوان "آغاز شهر جدید کابل" می نویسد: «در شروع سلطنت مستقل آمانیه، برج حوت سال 1297 شمسی در جمله نخستین اقدامات مهمه دولت افغانستان یکی هم مسئله تأسیس شهر جدید کابل مدنظر گرفته شد و چنین سنجیده شد که اصول مهندسی قصرها و جاده ها و خط سیر موتر و واگون [ریل شهری] مطابق به اصول افغانی و اسلامی و هم از لحاظ مسائل تکنیکی و فن ساختمانی براساس دول مترقی اروپائی شباهت داشته باشد و افغانستان مستقل در قسمت خریداری و تورید هرگونه سامان و لوازم و قبول هر یک انجنیر و متخصص و مهندس، خودش مختار مطلق است تا هرچه مناسب داند، درپرتو استقلال کامل بپذیرد و براسحضار آن موافقت نماید.»

وکیلی در این ارتباط تصریح میکند که شاه امان الله غازی: «درهمین وقت به هیئت سفارت فوق العاده "ابلاغ افغانستان مستقل" تحت ریاست محمد ولی خان در کابل فرمود: حینیکه به آلمان میرسید، ازطرف پادشاه افغانستان به "ایفرنس ایبرت" رئیس جمهور آلمان بگوئید که برای ما یک نفر سرمهندس بدارالسلطنه کابل بفرستد تا برای طرح شهر جدید کابل فهرست مهندسین و متخصصین و انجنیران آلمانی را بدهد و هیئت مهندسین آلمانی تحت ریاست سرمهندس آن کشور شهر جدید کابل را مطرح نماید. به این اساس پروفیسور "پریکس" - مستشار عالی معلم مدرسه عالی تخنیکی برلین مؤظف طرح نقشه دارالامان کابل از ابتدای تأسیس و ترتیب امور مهندسی آن گردید.»

وکیلی در ادامه می نویسد: «تاریخ تهادب گذاری رسمی قصر دارالامان کابل 24 میزان سال 1302 ش است، مستر هارتل مطابق نظر و مشورت رئیس بلدیة برلین به امور دارالامان گماشته شد و موسیو کودار فرانسوی قصر دارالامان را نقشه نمود.» (وکیلی: "کابل باستان"، جلد دوم، کابل، 1387، صفحه 951 تا 953)



نمایی از ساختمان اولی قصر دارالامان قبل از حریق اول

راجع به مراحل اكمال ساختمان قصر وکیلی می افزاید: اولین مرحله اكمال قصر در فصل بهار و تابستان 1307 ش مصادف به ایام بازگشت اعلیحضرت امان الله شاه از سفرهای رسمی دوازده کشور آسیائی و اروپائی میباشد که اولتر از همه قصر شاهي که در قسمت شرقی و غربی منزل سوم قرار داشت، در سال 1306 به پوشش رسید و حصص شمالی قصر که بزرگترین قسمت را تشکیل میداد، تا ختم 1307 تکمیل شد. کلکین ها، نل های مرکز گرمی و آب آشامیدنی، تشناب ها و آب گرم در سال 1306 شروع و در سال 1308 امور عمرانی آن به پایه اكمال رسید. (مأخذ بالا، صفحه 895)

شاه مان الله با استخدام مهندسان ورزیده آلمانی خواست به شهر جدید "دارالامان" از لحاظ ساختمانی یک چهره ای مدرن بیشتر به سبک و شیوه قصرهای اوخرقرن نهم اروپا را بدهد و ضمناً درنظر داشت تا یک تحول بارز را در فن معماری معمول در افغانستان به وجود آورد. این خصوصیات را میتوان از روی عکس های اولی آن عمارت به وضاحت مشاهده کرد که قبل از آن در افغانستان قصری با چنین سبک و عظمت ساخته نشده بود.

د پانوی شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزی ښي پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په څیر و لولئ



ریل شهری که از شهر قدیم کابل تا شهر جدید دارالامان همه روزه چند بار در رفت و آمد بود و کارگران را از شهر به انجا انتقال میداد - سال 1306 شمسی

آنچه در ساختمان این قصر بیشتر قابل توجه است، همانا استفاده از مواد ساختمانی موجود در کشور بود، البته به استثنای مواد صنعتی که باید از خارج وارد میگردید از قبیل مواد فلزی، لوازم برقی، تشناب ها و غیره. سعی در آن بود تا برای ساختن دروازه ها و کلکین ها و غیره تاحد امکان از مواد ساختمانی داخل کشور استفاده بعمل آید و تولید آن بوسیله نیروی کار افغان به رهنمائی متخصصان آلمانی در خود محل صورت گیرد. حاصل کار این پروژه تنها اعمار یک قصر با شکوه نبود، بلکه در مدت تقریباً شش سالیکه مراحل اكمال آن دوام کرد، در حقیقت این پروژه حیثیت یک مکتب مدرن مسلکی را در ساحات مختلف ساختمانی داشت که از آنطریق به تعداد صدها استاد کار و کارگران ماهر در رشته های بنائی، نجاری، سنگتراشی، استرکاری، طرح و دیزاین و اندازه گیری، مراقبت های ساختمانی، شناسائی با مواد ساختمانی مدرن، نل دوانی، امورتئویر و تسخین برق، امور تزئیناتی، پوشش، قیچی بندی آهن پوش، رنگمالی، و غیره و غیره تربیه گردیدند.

محصول پربر این پروژه در ساحة ساختمانی، تربیه همین قشر مسلکی بود که برای نیم قرن آنها توانستند صدها



شاگرد دیگر را تربیت کنند و بدون کمک مزید خارجی آنها بتوانند امور ساختمانی را خودشان به پیش برند و از این ناحیه کشور دریک حالت "اکتفا بخود" قرار گرفت. ناگفته نباید گذاشت که اثرات مسلکی پروژه قصر دارالامان منحصر به شهر کابل باقی نماند، بلکه به سرعت در تمام افغانستان، بخصوص در شهرهای بزرگ گسترش پیدا کرد و استادان کار به سائر شهر ها شتافتند و در ضمن اكمال پروژه های خورد و بزرگ، به تربیه ماهران مسلکی در دیگر نقاط کشور پرداختند. در آنوقت ماشین و الات ساختمانی

در کشور موجود نبود و مهندسین آلمانی کوشیدند تا بجای توریید وسائل پیشرفته تخنیکی از خارج، بیشتر از نیروی بشری استفاده نمایند. لذا آنها روزانه صدها نفر را در ساحات مختلف بکار گماشتند و ضمن آنکه به ایشان در هرساحه آموزش مسلکی میدادند، زمینه امرار معیشت نیز برای آنها فراهم میگردید. پرداخت معاش بالاتر از معمول از یکطرف و داشتن یک شغل دوامدار از طرف دیگر و نیز آشنا شدن با طرز کار مسلکی و جدید، از جمله عواملی بودند که بر روحیه همکاری و اشتیاق کارگران و حتی رضائیت خانواده های شان اثر بسیار مثبت گذاشت. مخصوصاً آشنا شدن با دسپلین و نظم کار، دقت در اجرای امور و احساس مسئولیت در برابر وظیفه محوله که از طرف مهندسین و متخصصین آلمانی به جدیت پیش برده می شد، فضای جدید محیط کار را نخست در داخل پروژه و بعد به حیث یک دسپلین کاری بطور عموم تقویه و استحکام بخشید و این میراث مهمی بود که برای پیشه وران در ساحة ساختمانی برای سالهای مدید بعدی بجا ماند.

د پانوی شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی ښی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په څیر و لولئ

اعمار قصر دارالامان یک پدیده جدید دیگر را که تا قبل از آن در کشور بطور رسمی معمول نبود، به وجود آورد یعنی تشکیل اولین شرکت سهامی به شکل مدرن آن. در 14 برج حوت 1303 دولت نظامنامه یک شرکت ساختمانی سهامی را بنام "شرکت عمران دارالامان" در 47 ماده نافذ کرد. در اینجا باید خاطر نشان ساخت که تا اوائل سال 1307 که قسماً پروژه دارالامان رو به اكمال بود، تادیه مزد به استادان و کارگران به وسیله پول مضروب یعنی سکه های افغانی صورت میگرفت، اما حینیکه دولت امانی برای بار اول در تاریخ کشور تصمیم به نشر پول کاغذی گرفت، اولین پرداخت ها به پول کاغذی در همین پروژه آغاز یافت و با وجود نا آشنائی مردم با پول کاغذی، باز هم این پول ها به خوشی از طرف کارگران پروژه دارالامان قبول شد و از این طریق پول کاغذی راه خود را در بازار و بین مردم باز کرد. (برای شرح مزید دیده شود: "قصر دارالامان - یادگار بزرگ عصر تجددگرایی"، از این قلم، منتشره افغان جرمن آنلاین، در سه قسمت، مورخ 13 تا 15 مارچ 2016)

آرامش قبل از طوفان:

همه به این نظراند که دوره دوم اصلاحات پس از سرکوب شورش خوست یک دوره آرامش محسوب میشود و شاه امان الله چنانچه بیان شد، در این دوره کوشید تا بر اجراءات دواپردولتی برطبق قوانین نافذه نظارت کند و در راه انکشاف مزید معارف سعی نماید. همچنان باردیگر توجه را به تعلیم دختران وتأمین عدالت بین زن و مرد با وجود فشارهای وارده از جانب محافظه کاران مذهبی معطوف دارد، در ساحت انکشاف مطبوعات و اطلاعات عامه و ارتقای ذهنیت ها قدم های استوار بگذارد و در راه مدرن ساختن شهر بکوشد. واقعاً تا اینجا شاه در طول این دوره دست آوردهای چشمگیر داشت که یک دوره پر از آرامش را بیان میکرد، اما در عین زمان رویداد هایی در زیر پرده در جریان بودند که قدم بقدم این آرامش را بیک "آرامش قبل از طوفان" مبدل میکردند. این رویداد ها هم ریشه قدیمی داشتند و هم با اقدامات جدید گره خورده بودند و همه به نحوی آنتشی را در کشور شعله ور ساختند که تمام دست آوردها را به یکبارگی نیست و نابود کردند. در اینجا میخواهم به مختصری از این انگیزه ها اشاره کنم:

1 - کینه قدیمی انگلیس با شاه امان الله از زمان شهزادگی او آغاز گردید و حتی قبل از آن انگلیسها میخواستند تا سلسله سلطنت را از خانواده امیر دوست محمد خان به خانواده سلطان محمد خان طلائئ انتقال دهند و در این راه از قبل سرمایه گذاری کرده بودند. شهادت امیرحبيب الله خان سراج و امارت شش روزه نصرالله خان در جلال آباد که در آن خانواده مصاحبان شریک السلطنه نصرالله خان بودند، یکی از همین قدم ها بشمار میرود که نام از امیر ضعیف الاراده نصرالله خان و اما در صورت دوام سلطنت او قاطعانه کام از خانواده مصاحبان در راس آن سپهسالار محمد نادرخان باشد. اما وقتی بخت به امان الله خان یاری کرد و در کابل اعلام سلطنت نمود، این تیر به خطا رفت. پس از استرداد استقلال کامل کشور انگلیس ها دست از براندازی شاه امان الله برنداشتند. شعله ور ساختن شورش خوست و اعزام عبدالکریم یکی دیگر از این دسایس بود. سرکوب این شورش انگلیس را از هدف اصلی منصرف نساخت و باز هم در زیر پرده بطور نامحسوس در تلاش سقوط سلطنت او بودند و زیرکانه در این راه فعالیت های ضد رژیم را تقویه و رهبری می کردند.

2 - پس از سقوط ترکیه عثمانی و رویکار آمدن کمال اتا ترک در 1924 در ترکیه، موضوع "پان اسلامیزم" که مبنای فعالیت علیه استعمار انگلیس در منطقه بود، رو به ضعف گذاشت و بین حلقات محافظه کار دینی - مذهبی این روحیه تقویه گردید که شاه امان الله به حیث یک شخصیت استعمار شکن باید عهده خلافت اسلامی را بدوش گیرد. مسلمانان هند و همچنان علمای مشهور دینی افغانستان سخت به این موضوع پافشاری داشتند. این موضوع حین بررسی معاهده افغانستان و ترکیه که اساساً در دوره خلافت عثمانی امضا شده بود و بعد از تحول در ترکیه در لویه جرگه 1303 مطرح شد، عکس العمل های جدی را در پی داشت که علمای لویه جرگه مخالف ادامه آن با رژیم جدید ترکیه بودند و بر شاه امان الله فشار می آوردند تا عهده خلافت جهان اسلام را منقبتل شود. شاه امان الله با دلایل چند قبول آنرا برای خود دشوار میدانست، زیرا از یکطرف دولت افغانستان در موقفی قرار نداشت که اینکار بزرگ را پیش برده بتواند و از طرف دیگر نمیخواست افغانستان را زیر فشار دو قدرت همجوار یعنی روس و انگلیس قرار دهد. همچنان قبولی خلافت اسلامی مشکل عمده را در برابر اهداف ملی افغانستان بار می آورد و سد راه یک تعداد اهداف شاه مبنی بر ایجاد تحولات جدید و مدرن در کشور میگردد و پای شاه در این راه زیر پای محافظه کاران مذهبی قرار میگرفت. یکی دیگر از این مشکلات همانا تحول عمده در سقوط بخارا در سال 1922 و تأسیس جمهوریت های ازبکستان و ترکمنستان تحت اداره روسیه شوروی در خزان سال 1924 بود و نیز ضعف جنبش "بسمالچی"

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

ضربه جدی برجانبش پان اسلامیزم در منطقه وارد کرد. لذا شاه در قبال این رویدادها مجبور شد تا از حمایت جنبش پان اسلامیستی دست بکشد و بیشتر به منافع ملی افغانستان فکر کند، چنانچه به صراحت بیان کرد که: «مسئولیت من در مقابل ملت از مسئولیت در برابر علماء بیشتر است.»

3 - تجارب شاه امان الله از شورش خوست و برداشت او از مباحثات با علمای لویه جرگه برضد تحولات جدید در موارد مختلف موجب شد تا اختلاف نظر عمیق بین شاه و یک تعداد علمای محافظه کار به وجود آید. اگرچه شاه زیر فشارهای وارده مجبور به قبول نظر آنها شد، اما بعد از لویه جرگه این موضوع بین آنها یک حد فاصل را ایجاد کرد و شاه کوشید نقش علمای دینی، بخصوص تعدادی از خانواده مجددی را در امور مملکتی تقلیل دهد و آنها را تا حدی به حاشیه براند. این دسته علما نیز بر شاه مظنون شده بودند و از اینکه موقف شریک السلطنه را از دست داده بودند، در صدد مخالفت با شاه برآمدند و دست به تبلیغات علیه او زدند و او را متهم به بیرون شدن از دایره اسلام ساختند و کوشیدند تا باردیگر زمینه های شورش را در جنوبی و نقاط دیگری تحت نفوذ خود با تبلیغ وسیع در بین ملاحا و مردم آنجا که از شورش قبلی عقده مند شده بودند، مساعد سازند.

4 - مخالفان به چند موضوع در تبلیغ خود علیه شاه امان الله و رژیم او تمسک می جستند: یک - انصراف شاه امان از قبولی عهده خلافت اسلامی که علمای دینی آنرا دال بر بی اعتنائی شاه با اسلام توجیه میکردند؛ دو - باز کردن مجدد مکاتب به روی دختران، چیزی که شاه در لویه جرگه از آن انصراف کرده بود؛ سه - توجه مجدد به حقوق زنان و ادعای برابری حقوق زن و مرد؛ چهار - اعزام جوانان افغان به ممالک کفر جهت تعلیم؛ پنج - مخالفت شاه با بعضی سران مذهبی؛ شش - حمایت شاه از اهل تشیع و اهل هندو (هندو باوران)؛ هفت - تبلیغ اینکه شاه با بلشویک ها و فعالان سیاسی هندی، مخصوصاً انقلابیون هندی در کابل روابط نزدیک دارد؛ هشتم - دست کشیدن شاه از حمایت قبایل ماورای سرحد، بخصوص بعد از وفات حاجی عبدالرزاق که از طرفداران فعال و جدی جنبش خلافت و مخالف انگلیس در ساحات قبایلی بود؛ نهم - برقراری روابط نزدیک با ترکیه کمالی و ورود تعداد زیاد ترک های طرفدار کمال اتاترک به افغانستان به حیث مشاوران دولت افغانستان و تقویه روحیه تجددگرایی در افغانستان؛ دهم - توجیه اینکه گویا هدف شاه از اعمارمنار "علم و جهل" معنی جاهل خطاب کردن علمای دینی و تحقیر آنها را میدهد.

5 - به نقل قول از داکتر نوید سنزل: «از جمله اقدامات دولت بر علیه علمای دینی آنچه از همه بیشتر اهمیت داشت، دور کردن حضرت نورالمشایخ از افغانستان بود. شاه امان الله در جریان شورش خوست از شمولیت شیخ موصوف در طرح پلان بر علیه دولت مظنون شده بود. از طرف هم موقف آشتی ناپذیر نورالمشایخ در مورد نکاح صغیره و تعدد زوجات و اعتراضات او به نظریات شاه در محضر عام، شاه را خشمگین ساخت. بنا بر گزارشی یکی از منابع، نورالمشایخ خودش و بصورت دواطلبانه افغانستان را به علامت اعتراض بر علیه ساست های شاه ترک نمود، ولی غبار می نویسد که شاه نورالمشایخ را مجبور ساخت افغانستان را ترک کند و از مجازات بیشتر او بخاطر احترامی که به برادر بزرگش شمس المشایخ داشت، منصرف شد... نورالمشایخ که در دیره اسماعیل خان (ناحیه سرحد شمال غربی هند) در جوار افغانستان اقامت اختیار نموده بود، به فعالیت های ضد دولت در هر دو طرف سرحد آغاز نمود.» (نوید، سنزل: "واکنش های مذهبی و تحولات اجتماعی"، ... صفحه 168 - 169)

با دلایل و انگیزه های فوق که در زیر پرده دست های مرموز و اما فعال انگلیس در آن زیرکانه نقش بازی میکرد، قدم بقدم فاصله بین شاه و علمای دینی زیاد شد و فضای آرام دوره دوم اصلاحات را بطور محسوس تحت الشعاع خود قرار داد و در اینوقت حساس شاه عزم سفر طولانی به دوازده کشور آسیائی و اروپائی کرد که غیابت شاه فضا را برای مخالفان و دست های مرموز دشمنان وطن و پیشرفت و تبلیغات سوء آنها علیه شاه و ملکه بسیار مساعد ساخت.

(ادامه دارد)

د پانوی شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي ښي پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ